

دریچه

چشم‌انداز فرهنگی هورامان (اورامانات) ثبت جهانی شد

● دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو_ایران، از ثبت جهانی چشم‌انداز فرهنگی هورامان (اورامانات) به‌عنوان بیست‌وششمین میراث ملموس کشورمان در فهرست میراث جهانی یونسکو خبر داد. به گزارش روابط عمومی کمیسیون ملی یونسکو_ایران، حجت‌الله ایوبی دراین‌باره اظهار کرد: در نشست امروز چهارم‌رمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو (سه‌شنبه پنجم مرداد ۱۴۰۰) در شهر فوجوی چین، پرونده «چشم‌انداز فرهنگی هورامان/ اورامانات» مورد بررسی قرار گرفت و با تصویب اعضای کمیته، به‌عنوان بیست‌وششمین میراث ملموس کشورمان در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. او عنوان کرد: با همت بسیار خوب کارشناسان ایرانی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همکاران ارجمند کمیسیون ملی یونسکو در ایران و دفتر نمایندگی ایران در پاریس این اتفاق فرخنده به ثمر نشست. همچنین باید از مدیران و مسئولان و هنرمندان استان‌های کردستان و کرمانشاه که در این راه تلاش‌های قابل‌توجهی کردند، تشکر کنم.

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو_ایران با بیان این موضوع که این پرونده از اهمیت بالایی برای کشورمان برخوردار بود، یادآورد شد: هنرمندان ایرانی در این راه با همراهی در برپایی برنامه‌هایی از جمله نمایشگاه گروهی عکس «اورامان؛ دامان آسمان» نقشی پررنگ در این اتفاق داشتند که از همه آنان تقدیر می‌کنم.

لازم به یادآوری است نمایشگاه گروهی عکس «اورامان؛ دامان آسمان» در مهر سال ۱۳۹۹ با حضور حجت حسام مهدی، ارزپای مصری پرونده اورامانات، ازسوی سازمان ایکوموس (نهاد مشورتی یونسکو درخصوص نگهداری و پاسداری از میراث فرهنگی) محمدحسن طالبیان، معاون وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و مجید رجبی‌معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان و جمعی از مدیران اهالی فرهنگ و هنر و رسانه در خانه هنرمندان ایران افتتاح شد. این نمایشگاه دربرگیرنده ۷۰ عکس منتخب از ۳۵ عکاس ایرانی به‌ویژه عکاسان استان‌های کرمانشاه و کردستان بود که تصاویر بدیعی از طبیعت، معماری، زندگی روزانه مردم و آیین‌های منحصربه‌فردی چون «عروسی پیرشالیار» و «پالنگان» را به نمایش عموم گذاشت. همچنین در ادامه مجموعه برنامه‌های مربوط به پرونده ثبت جهانی چشم‌انداز فرهنگی اورامانات، مجموعه آثار برگزیده نمایشگاه مزبور در ۱۰۵ صفحه و شمارگان ۳۰۰ نسخه توسط کمیسیون ملی یونسکو- ایران، منتشر شد. هورامان یا اورامانات نام منطقه‌ای تاریخی با بافت پلکانی و آداب و رسوم خاص است که بخش‌هایی از شهرستان‌های سروآباد، سنندج و کامیاران استان کردستان و شهرستان‌های پاوه، جوانرود، نودشه و نوسود استان کرمانشاه را شامل می‌شود. معماری هورامان (اورامانات) به‌طورکامل با کوهستان انطباق یافته و متکی بر ساخت‌وساز با استفاده از سنگ و به شکل خنک‌چین است و خانه‌ها در روستاهای منطقه با توجه به شیب تند دامنه‌های صخره‌ای به‌صورت پلکانی ساخته شده است، خانه‌ها در اکثر موارد در دو طبقه ساخته شده و بر اساس معیشت، فضای خانه‌ها با یکدیگر متفاوت است و خانه‌های افراد باغ‌دار، کشاورز و دامدار کمابیش باهم متفاوت است، در بسیاری از موارد طاق، فضای محکف به محل نگهداری کله و انبار اختصاص دارد. فضای اصلی مسکونی در طبقه بالاتر واقع است و از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شود. ساکنان این منطقه نیز به کوشش هورامی سخن می‌گویند.

کمیسیون ملی یونسکو- ایران، این موفقیت بزرگ را به مردم شریف ایران‌زمین و تمام همکاران محترم دخیل در این پرونده جهانی، تبریک می‌گوید.

علاقه‌مندان برای مشاهده این آثار ارزنده در گالری مجازی کمیسیون ملی یونسکو- ایران می‌توانند به آدرس زیر مراجعه کنند:

https://gallery.irusesco.org/

جشن مستند، آیینی تخرصمی با حضور نخبگان سینمای مستند است

● دبیر دوازدهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران با اشاره به اهمیت برگزاری این رویداد، گفت: عنوان جشن در این دوران شاید کمی گمراه‌کننده باشد اما بهتر است بگوییم این یک رویداد فرهنگی هنری مهم و جدی در حوزه سینمای مستند است که آثار نخبگان و بهترین مستندسازان ایرانی را بازنگری و ارزیابی می‌کند. شهرام درخشان در گفت‌وگو با خبرنگاران با اشاره به اینکه جشن مستقل سینمای مستند ایران یک سنت هرساله مهم در سینمای مستند است، افزود: در این جشن، مستندسازان عضو خانه سینما آثار خود را به دبیرخانه ارسال می‌کنند و در هر دوره، هیئت انتخاب و پس از آن هیئت داورانی مطرح، ارزیابی آثار را بر عهده دارند. درخشان با بیان اینکه ممکن است برخی بگویند در این شرایط همه‌گیری کرونا و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، برگزاری این رویداد چه اهمیتی دارد، اظهار کرد: سینمای مستند جریانِ همیشه پیشرو بوده که در دل بحران‌ها رسالت خود را به خوبی انجام داده است و مستندسازان با تصویری که در آثار خود ارائه می‌کنند، بخشی از تاریخ و آنچه را در جامعه خود می‌گیرد و به نازک‌بینی درمی‌یابند، ثبت می‌کنند و همین مسئله بیش‌ازپیش بر اهمیت کار مستندسازان می‌افزاید.

دریچه

چشم‌انداز فرهنگی هورامان (اورامانات) ثبت جهانی شد

● دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو_ایران، از ثبت جهانی چشم‌انداز فرهنگی هورامان (اورامانات) به‌عنوان بیست‌وششمین میراث ملموس کشورمان در فهرست میراث جهانی یونسکو خبر داد. به گزارش روابط عمومی کمیسیون ملی یونسکو_ایران، حجت‌الله ایوبی دراین‌باره اظهار کرد: در نشست امروز چهارم‌رمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو (سه‌شنبه پنجم مرداد ۱۴۰۰) در شهر فوجوی چین، پرونده «چشم‌انداز فرهنگی هورامان/ اورامانات» مورد بررسی قرار گرفت و با تصویب اعضای کمیته، به‌عنوان بیست‌وششمین میراث ملموس کشورمان در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد. او عنوان کرد: با همت بسیار خوب کارشناسان ایرانی، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و همکاران ارجمند کمیسیون ملی یونسکو در ایران و دفتر نمایندگی ایران در پاریس این اتفاق فرخنده به ثمر نشست. همچنین باید از مدیران و مسئولان و هنرمندان استان‌های کردستان و کرمانشاه که در این راه تلاش‌های قابل‌توجهی کردند، تشکر کنم.

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو_ایران با بیان این موضوع که این پرونده از اهمیت بالایی برای کشورمان برخوردار بود، یادآورد شد: هنرمندان ایرانی در این راه با همراهی در برپایی برنامه‌هایی از جمله نمایشگاه گروهی عکس «اورامان؛ دامان آسمان» نقشی پررنگ در این اتفاق داشتند که از همه آنان تقدیر می‌کنم.

لازم به یادآوری است نمایشگاه گروهی عکس «اورامان؛ دامان آسمان» در مهر سال ۱۳۹۹ با حضور حجت حسام مهدی، ارزپای مصری پرونده اورامانات، ازسوی سازمان ایکوموس (نهاد مشورتی یونسکو درخصوص نگهداری و پاسداری از میراث فرهنگی) محمدحسن طالبیان، معاون وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و مجید رجبی‌معمار، مدیرعامل خانه هنرمندان و جمعی از مدیران اهالی فرهنگ و هنر و رسانه در خانه هنرمندان ایران افتتاح شد. این نمایشگاه دربرگیرنده ۷۰ عکس منتخب از ۳۵ عکاس ایرانی به‌ویژه عکاسان استان‌های کرمانشاه و کردستان بود که تصاویر بدیعی از طبیعت، معماری، زندگی روزانه مردم و آیین‌های منحصربه‌فردی چون «عروسی پیرشالیار» و «پالنگان» را به نمایش عموم گذاشت. همچنین در ادامه مجموعه برنامه‌های مربوط به پرونده ثبت جهانی چشم‌انداز فرهنگی اورامانات، مجموعه آثار برگزیده نمایشگاه مزبور در ۱۰۵ صفحه و شمارگان ۳۰۰ نسخه توسط کمیسیون ملی یونسکو- ایران، منتشر شد. هورامان یا اورامانات نام منطقه‌ای تاریخی با بافت پلکانی و آداب و رسوم خاص است که بخش‌هایی از شهرستان‌های سروآباد، سنندج و کامیاران استان کردستان و شهرستان‌های پاوه، جوانرود، نودشه و نوسود استان کرمانشاه را شامل می‌شود. معماری هورامان (اورامانات) به‌طورکامل با کوهستان انطباق یافته و متکی بر ساخت‌وساز با استفاده از سنگ و به شکل خنک‌چین است و خانه‌ها در روستاهای منطقه با توجه به شیب تند دامنه‌های صخره‌ای به‌صورت پلکانی ساخته شده است، خانه‌ها در اکثر موارد در دو طبقه ساخته شده و بر اساس معیشت، فضای خانه‌ها با یکدیگر متفاوت است و خانه‌های افراد باغ‌دار، کشاورز و دامدار کمابیش باهم متفاوت است، در بسیاری از موارد طاق، فضای محکف به محل نگهداری کله و انبار اختصاص دارد. فضای اصلی مسکونی در طبقه بالاتر واقع است و از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شود. ساکنان این منطقه نیز به کوشش هورامی سخن می‌گویند.

کمیسیون ملی یونسکو- ایران، این موفقیت بزرگ را به مردم شریف ایران‌زمین و تمام همکاران محترم دخیل در این پرونده جهانی، تبریک می‌گوید.
علاقه‌مندان برای مشاهده این آثار ارزنده در گالری مجازی کمیسیون ملی یونسکو- ایران می‌توانند به آدرس زیر مراجعه کنند:

https://gallery.irusesco.org/

برای پهلوان مسعود کیمیایی

شاعر غم‌های مردمان ساده



بهرام بیضایی، علی حاتمی، حتی دکتر کاووسی واضح عنوان «فیلمفارسی»، فریدون رهنما، محمود دولت‌آبادی و… بودند یا بزرگانی چون عین‌القضات همدانی و حسنک و وزیر و بهیقی و حافظ و سعدی و نظامی و صادق هدایت بودند و… او که سر فرود می‌آورد تا وارد زورخانه بشود، مرشد نه یک بار بلکه صدبار زنگ را می‌زد و بر ضرب زورخانه می‌کوبید و به مناسبت ورود این پهلوان ۸۰ساله، این پیر روزگار، این مرد سال و ماه بیش از نیم‌قرن چشم بر «ویزور» دوربین نهاده، این مرد تنهامانده از روزگار عاشقان سردوگرم چشیده اما هنوز دلسرده نشده از کشاکش روزگار



بهر روز غریب‌پور

اگر سینما یک زورخانه بود و یک مرشد فرزانه داشت، اگر سینما زورخانه بود و جایش در تقاطع چند محله؛ سراج‌الملک، کوچه سعیدابراهیم، کوچه درب‌دار، کوچه سقاباشی بود و به پهنای همان محله‌های جنوب شهر و اگر همه اهل سینما با میل‌زدن و کبادکشی و چرخ‌زدن و زبان پهلوانی و پهلوانان آشنا بودند و اگر پیر فرزانه، مرشد زورخانه صدایی به وسعت و زیبایی صدای شجریان می‌داشت و اگر به اندازه اسفندیار منفرد بسر ضرباهنگ ضرب زورخانه مسلط بود و می‌توانست جاودانه «قبصرش» را تکرار کند، خش صدایش همچون فرهاد «رضا موتوری» می‌بود، اگر حدود و ثغور دانسته‌هایش در حد و اندازه محمد جعفر شهری و دکتر محمدجعفر محجوب و بهرام فره‌وشی و مهرداد بهار بود و اگر زبانش زبان حکیم ابوالقاسم فردوسی بود و اگر در میان اهل زورخانه، از ساموئل خاچیکیان و ژان نگلوسکو، فرخ غفاری، ابراهیم گلستان،



عاشقان در خون خود غلتیده‌اند

و در کنارش شاهد به روی صحنه بردن بعضی از نمایش‌نامه‌های خودش (جانا و بلا دور، طرب‌نامه و چهارراه) و نگارش چند فیلم‌نامه

و کار نمایشی و پژوهشی و… مخالف‌خوانی‌های دورداد بوده‌ایم. اما ناصر تقوایی با همه قابلیت‌های بصری و روایی‌اش، وضعیتی استثنائی نسبت به فیلم‌سازان هم‌نسل خود داشته است. برای کارنکردن طولانی او می‌توان دلایل مختلفی را عنوان کرد ولی جدا از نگرش معترضانه او به فضای مسموم حاکم بر سینمای ایران نمی‌توان منکر این واقعیت شد که سواس و نسبت به دنیای پیرامون خود با همه التهابات حرف‌های سینمای این دوران باعث شکل‌یابی شخصیتی دافعه‌آمیز از او نزد تهیه‌کنندگان و سرمایه‌گذاران شده است. موفق‌ترین و زمانه‌شناس‌ترین فیلم‌ساز این دوران، یعنی داریوش مهرجویی، هم در فضای بی‌رحمانه حاکم بر سینمای ایران در این دهه اخیر به موفقیت ساخت سنتوری و مشکلات پیش‌آمده برای آن، تن به افولی ناگزیر داد و از دوران اوجش فاصله زیادی گرفت. این افول تدریجی در سال‌های اخیر شامل حال بهمن فرمان‌آرا به عنوان یکی از فیلم‌سازان کم‌کار دوران موج نو که با «بوی کافور عطر یاس» (۱۳۷۹) و «خانه‌ای روی آب» (۱۳۸۲) تصویری متفاوت از خود در این دوران ارائه داد نیز می‌شود. البته او نیز می‌تواند برای این سیر نزولی‌اش کارش، دلایل متقن از جمله تصویب‌نشدن چند فیلم‌نامه و مجوز ساخت ندادن به چند اقتباس ادبی مورد نظرش (از جمله داستان جاوید اسماعیل فصیح) داشته



جواد طوسی

در جامعه ملتبهی که نبض تندش همچنان در کانون حادثه می‌تپد، چه تعریف درست و کارآمدی از هنرمند و حضور فرهنگی و اجتماعی‌اش می‌توان داشت؟ آیا سکوت و انزوا و در انتظار شرایط مطلوب‌بودن یا تن به مهاجرت دادن، می‌تواند توجهی مناسب و منطقی برای یک هنرمند مستقل و صاحب عقیده در یک جامعه متشتت و بی‌ثبات باشد؟ ترجیح می‌دهم سال‌کرد تولد فیلم‌ساز کهنه‌کار و تاریخ‌سازی چون مسعود کیمیایی را محمل و بهانه‌ای برای ارزیابی موقعیت معاصر و درعین‌حال آسیب‌پذیر فیلم‌سازان نسل اول شکل‌گرفته در دوران موج نو (واوخر دهه ۲۰ تا نیمه اول دهه ۵۰) قرار دهم. در کنار مرگ تلخ فیلم‌سازان مطرحی چون علی حاتمی، فریدون کله و عباس کیارستمی از این مجموعه، امیر نادری و بهرام بیضایی براساس دلایل خود جلای وطن کرده‌اند. امیر نادری در طول این سال‌ها برای دل خودش چند فیلم شخصی و تجربی ساخته که هیچ‌کدامشان نزد علاقه‌مندان قدیمی‌اش حس و حال آثار دوره اول فیلم‌سازی‌اش (خداحافظ رفیق، تنگنا، تنگیسر، ساز دهنی، انتظار و مریثه) را نداشتند. بهرام بیضایی در طول اقامتش در آمریکا به تدریس در دانشگاه استنفورد کالیفرنیا پرداخته



نمایش «بوتاکس» در بخش مسابقه جشنواره پکن

فیلم «بوتاکس» به کارگردانی کاوه مظاهری و تهیه‌کنندگی مشترک کاوه مظاهری و سروس سعیدی، در هفتمین حضور بین‌المللی خود

در بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی فیلم پکن، موسوم به Forward Future به نمایش در خواهد آمد. یازدهمین دوره جشنواره فیلم پکن، از ۲۳ تا ۳۰ مرداد مصادف با ۱۴ تا ۲۱ آگوست در چین برگزار می‌شود.

«بوتاکس» پیش‌ازاین برنده جایزه بهترین فیلم اول از جشنواره جهانی فیلم فجر و جوایز بهترین فیلم و بهترین فیلم‌نامه به نویسندگی مشترک کاوه مظاهری و سپینود ناجیان از جشنواره تورین ایتالیا شده



فرزانه بگوید: برای سلامتی پهلوان سینما، پهلوان خم‌شده از زور روزگار، اما ماندگار، اما عاشق، اما هنوز و تا هنوز شاعر غم‌های مردمان ساده مردمان دوتا شده و زخم‌خورده روزگار، عاشق لات‌های بامعرفت، دشمن لات‌های ناآشنا با لوطی‌گری، آب‌منگلی‌های بی‌مرام، صلواتی غرا بفرستید و اگر او می‌توانست به وسط گود ببرد و تن مجروحش را همه ببینند و دوباره و چندباره و هزارباره به یاد بیاوردن که قلم‌زدن و سرودن از هر جنسی که باشد، در هر روزگاری که باشد، کم از نبرد و جنگ تن‌به‌تن نیست، جان او و امثال او مجروح است، از هرگونه جراحی‌تی، خط‌خورده شمشیرها… او اگر در وسط گود بچرخد و در سیمای اهل زورخانه با «سویش پنی» با میران چرخش ۳۶۰ درجه از بیگانه بپسا، قبصر، داش آکل، خاک، دندان مار و گوزن‌ها و رضا موتوری، و… را به یاد بیاورد و مرشد به‌جای اینکه از حکیم فردوسی بخواند از حضرت حافظ بخواند:

هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم
هرگه که یاد روی تو کردم جوان شدم
اول ز تخت و فوق وجودم خبر نبود
در مکتب غم تو چنین نکته‌دان شدم

من پیر سال و ماه نیم یاب بی‌وفاست
بر من چو عمر می‌گذرد پیر از آن شدم
و اگر صدای زنی بیرون از زورخانه می‌آمد:
بغلم کن نذار اینجا تنها بمونم
و همه سرها را برمی‌گردانند و با خود می‌گفتند: همه هستیم در این گنبد دوار دوریم و نزدیکم زیر هزار خروار خاک یا چندصد هزار دیار
آن سوی این دیار… و اگر پهلوان مسعود کیمیایی تا دوار چرخ بود می‌چرخید و می‌نوشست و فیلم می‌ساخت و شعر می‌سرود، می‌توانست در آن دوار سینمایی خود را در مراسم کفن و دفن فروغ ببیند؛ چراکه خیال حاکم جهان هنرمند است و می‌توانست با پرویز پویان هم گفت‌وگویی بکند که می‌گویند نکرده است، اگر دوار چرخ بود و او هم بود پهلوانی که در ۲۵سالگی قبصر جاودانه را سرود، در ۸۰سالگی هم می‌تواند آرزووار جان خود را در تیر کند و از آینده‌ای بگوید که در جانش هست اما در کلامش خاموش است؛ تا هست و تا هستیم بر بلندای قد و همتش صلوات. صلواتی از جنس صلوات فرستادن روستاییان فیلم «خاک» در تشییع یک مبارز خرد، که مرا در سالن سینما کاپری آن روزگار، بهمن این روزگار گریاند…

در آستانه ۸۱سالگی و تن‌نداندن به انزوا و انفعال و بازتنستگی (برخلاف توصیه‌های برخی از منتقدان بدفهم و مغرض که شناخت درستی از سینمای این فیلم‌ساز و مؤلفه‌های مهرجویی، پرکارترین فیلم‌سازان نسل «موج نو» و آوندادن و کم‌نیاب‌وردن در برابر موج‌های منفی و سازهای ناکوک و مخالف این روزگار، غبطه‌برانگیز و قابل‌ستایش است. کیمیایی هم مثل شماری از دوستان و همکارانش می‌توانست دَر خانه‌اش را در این دوران بزخی و نامراد ببندد و ارتباطش را با همه قطع کند و در بیله تتهایی فرو رود. ولی او با ساختن فیلم «خانن‌گبسی» و روی‌آوردن به نقاشی و کشیدن قریب ۴۰ تابلو و آماده‌کردن خود برای ساخت فیلم بعدی‌اش، مقابله‌ای جانانه با این دوران پر‌عذاب و هذیانی داشته و تصویری دلخواه از دوره کردن فصل «طاق» ارائه داده است. چه سرمایه و دست‌آوردی ارزشمندتر از اینکه آخرین اثر خلاقانه یک فیلم‌ساز مسئول و جامعه‌نگر که این روزها تدوین نهایی‌اش را پشت‌سسر می‌گذارد، هم نسبتی درست و عمیق با زیبایی‌شناسی هنر داشته باشد و هم در امتداد روایت‌پردازی و «مواجهه با تاریخ» از گذشته به حال برسد و تکیه‌گاه امنش نقطه‌ای آرمانی و مجموعه‌ای انسانی باشد که فصل مشترک‌شان در یک هم‌آوایی اجتماعی «آدم‌بودن» و پایبندی به اصولی است که به مردم و عدالت‌خواهی» شور و انگیزه، کهن‌سالی افراشته‌ای دارد. عمرت همچنان پربار آقای کیمیایی، همیشه باشی…



ساسان سعیدی، گروه همراهان اندیشه قفقوس، مجری طرح: مهدی برجیان، مدیر فیلم‌برداری: حامد حسینی سنگری، تدوینگر: پویان شعله‌ور، برنامه‌ریز و دستیاراول کارگردان: غزل معصومی، صداگذار: حسین قورچیان، آهنگساز: میلاد موحدی، صدابردار: هادی معنوی‌پور، طراح کریم: امید گلزاده، طراح صحنه و لباس: عادل‌ه چراغی، مدیر تولید: امیرمهدی صادقی، عکاس: سیما محمدی، منشی صحنه، منا علامه‌امیری، طراح جلوه‌های ویژه بصری: محمد بردان، اصلاح رنگ و نور: نیما دبیرزاده (لابراتوار ایران نوین)

زیر آسمان فیروزهای

رشد جلوه‌های ویژه بصری در گرو طلب‌بازار

● این روزها جلوه‌های ویژه بصری یکی از مهم‌ترین ارکان ساخت آثار مختلف نمایشی در حوزه سینما و تلویزیون است. خلق فضاهای فانتزی، ماورایی، قدیمی و حتی آتش‌سوزی و انفجار به‌واسطه این گروه انجام می‌شود و یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های این عرصه کسی نیست جز هادی اسلامی که آثاری چون «۲۳ نفر»، «به وقت شام»، «ویلیا‌ها»، «نهنگ عنبر۲» و … را در کارنامه خود دارد و تاکنون سه بار سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را برای فیلم‌های «بادبگارد»، «ج» و «سلام بر فرشتگان» از آن خود کرده است. او این روزها در کنار گروه تولید سریالی «اسپینجر» به کارگردانی علیرضا کریم‌زاده است که از ابتدای نگارش همراه این تیم بوده تا بتوانند آنچه را که در ذهن دارند، به واقعیت تبدیل کنند.

او در پاسخ به این پرسش که افسراد با چه توانمندی‌هایی می‌توانند وارد این عرصه شوند، گفت: «حوزه کاری برای دانش‌آموختگان نقاشی، طراحی، گرافیک در این فضا بسیار پاسخ‌گوست و می‌توانند وارد این فضا شده و به‌راحتی کار کنند. درحالی‌که ما متأسفانه نیروی کارآمدی در حوزه مفهومی کانسپت نداریم و بیشتر از حضور افرادی که دستی در نقاشی یا طراحی دارند، بهره می‌بریم. اگر این محث به شکل تخصصی پیش برود، قطعا فضای کانسپت ما بهتر خواهد شد. در این شرایط اجرای فضا نیز جذاب‌تر خواهد بود. برای مثال از آنجایی که سریال «اسپینجر» به صد سال آینده مربوط است، ما تصور کردیم اگر مونوپل توران راه‌اندازی می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد و از کجاها رد می‌شد. ما برای حفظ ماسکاسفانه نیروی کارآمدی در حوزه مفهومی کانسپت نداریم و بیشتر از حضور افرادی که دستی در نقاشی یا طراحی دارند، بهره می‌بریم. اگر این محث به شکل تخصصی پیش برود، قطعا فضای کانسپت ما بهتر خواهد شد. در این شرایط اجرای فضا نیز جذاب‌تر خواهد بود. برای مثال از آنجایی که سریال «اسپینجر» به صد سال آینده مربوط است، ما تصور کردیم اگر مونوپل توران راه‌اندازی می‌شد، چه اتفاقی می‌افتاد و از کجاها رد می‌شد. ما برای حفظ ماسکاسفانه نیروی کارآمدی در حوزه مفهومی کانسپت نداریم و بیشتر از حضور افرادی که دستی در نقاشی یا طراحی دارند، بهره می‌بریم. این نکتہ بسیار مهمی است که بضاعتی در حوزه تخیل داریم و یکسری خطوط قرمز که باید بینیم در چه ساختارهایی می‌توان از آنها استفاده کرد و کار را ساخت». او در پاسخ به این پرسش که از آنجایی که ذهن مخاطب ایرانی به دلیل نبود این فضاها به تماشای آثار هالیوودی عادت کرده است و ما همیشه در ذهنمان آینده را به شکلی که آنها تصویر کرده‌اند، یعنی فضایی آخرالزمانی ترسیم می‌کنیم، او در جواب سؤال چقدر از این فضاها الگو گرفتید و چقدر این الگوها را اسلامی کردید، گفت: «فیلم‌های آخرالزمانی و مدرن، یک ژانری است که خواه‌ناخواه در دنیا و به‌ویژه هالیوود موجود است؛ اما ما به دلیل ماهیت فرهنگی‌ای که داریم، خیلی در فضاهای کمیک‌استریپ و مدرن ریاتیک علاقه‌مندی نشان ندادیم و نسبت به فیلم‌های فانتزی همواره گارد گرفته‌ایم و مخاطب ایرانی به‌نظرم این نگاه را ندارد. اما نمونه‌های بارزی از این دست فیلم‌ها به شکل مثبت و منفی ساخته شده است. مثبت از این بعد که همه چیز خوب است و منفی به معنای ازبین‌رفتن و تولد دوباره است که دردرسه‌های زیادی در همراه دارد. قصه ما در این سریال برپایه یک فانتزی است که اوضاع ایران رو به بهبودی است؛ یعنی دیگر نفت صادر نمی‌کنیم، شرایط خوبی داریم، توریست داریم و از انرژی پاک استفاده می‌کنیم، به نوعی یک مدینه فاضله داریم و در این جریان ما نیازمند حفظ یکسری اصول هستیم مانند بحث خانواده و پایبندی به اصولی که تاریخ را به همین دلایل حفظ می‌کنیم. ما نمادهایی از گذشته تهران را در کنار عناصر مدرن داریم که ریاتیک نیستند اما جدیدند. مسئله ما این نبود که در آن فضا ریات هست یا نه؛ بیشتر نمایش یک شهر هوشمند مدنظرمان بود تا یک شهر ریاتیک. الگوبرداری کردیم و خیلی از فیلم‌ها را مرور کردیم، در کنار آن یکسری ایده نیز خودمان داشتیم و به آن اضافه کردیم تا به این فرآیند رسیدیم.»

او ادامه داد: «شما وقتی به دکتر می‌روید، هیچ‌وقت به دکتر نمی‌گویید فلان دارو را بدهد، چون علم آن را ندارید. در حوزه سینما، کارگردان‌هایی هستند که مثلا به حوزه فیلم‌برداری یا کریم اشرف ندارند اما وقتی به طرح‌شان و مدیر فیلم‌برداری‌شان اعتماد می‌کنند، از آن فرد کمک می‌گیرند. ما یک جریان گذار از سینمای سنتی به سینمای دیجیتال داریم ولی من خودم می‌گویم سینمای ما دیجیتال نشده و فقط دوربین یا تدوین ما دیجیتال شده است. سینمای دیجیتال یک مفهوم دارد و این مفهوم، یک گستره دارد که در یکسری از آثارها جواب می‌دهد؛ چون آنچه کارکرد دارد. یعنی شما نمی‌توانید فیلم تخیلی بسازید ولی کانسپت نداشته باشید. با در مورد یکسری اکشن‌ها با تمام سرگروه‌ها بحث و جلسه نداشته باشید. این‌طور نیست که سر صحنه بروید و بگویید که ببینم حس بازیگر چیست، بازیگر از یک خانه صدساله یک جور حس می‌گیرد و وقتی جلوی پرده کروماکی می‌رود، حسش یک‌جور دیگر است. ما چگونه می‌توانیم بازیگرمان را در زمینه تخیلی که می‌خواهیم انجام بدهیم، راهنمایی کنیم؟ چگونه می‌توانیم به او توضیح دهیم؟ اینها زنجیرهای مفقوده سینمای دیجیتال است. ما در ایران سال‌های است سال که جایزه جلوه‌های بصری را به‌عنوان یک سیمرغ مستقل داریم و دوستان در این زمینه مشغول کار هستند. حتی زمان‌هایی که جایزه گرفتیم رقیب خارجی نیز داشتیم. مثلا جلوه‌های بصری فیلم «روز ستاخیز» که نامزد سیمرغ شد، کار یک هنرمند انگلیسی بود…»